

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

سوره مبارکه الفلق (جله دوم)

نتم منومی استادانخت ۹۳/۹/۱۵

سور جزء سی را می توان به عنوان مدل برای مطالعه کل سوره ها انتخاب کرد و دلیل آن کوتاه بودن این سور است. برای مطالعه یک سوره بلند با یک سوره کوتاه باید اول سوره کوتاه را مطالعه کرد که از دو را می توان وارد شد. اینکه مفاهیم سوره را در قالب مؤلفه‌هایی (واژه ای، مفهومی) استخراج کنیم.

در سوره مبارکه فلق یک پناه بردن داریم و یک قدرت مافوق که در سوره با "رب فلق" گفته شده است. هر جا یک قدرت مافوق نشان داده می‌شود، مربوط به مطالعه ما می‌باشد. همچنین یک نمونه آسیب آورده شده است که هر جا آسیب بود "رب" می‌شود.

آسیب‌ها : ظلمات، گره‌ها در زندگی، نعمت‌ها و زوال آنها(حسد)

افتادن در شبهات یعنی گم شدن محکمت یعنی اون مسائلی که می‌توان به آنها اتکا کرد، از ذهن خارج می‌شود. شبه از این جهت که عدم علم است به ظلمت نزدیک تر است.

خواندن سوره آل عمران با سوره فلق : این گونه خواندن شدیداً ترس از آسیب‌ها را در فرد ایجاد می‌کند.

در سوره آل عمران در همان آیات اول شیوه پناه بردن را شناخت محکمت بیان می‌کند ، این راه کاربردی خیلی خوب است. اتکاء به محکمت با دور شدن از فضای متشابهات همراه است. علت این است که تشابه "زیغ" ایجاد می‌کند زیغ به معنی انواع انحراف و لغزش‌ها بالاخص لغزش‌هایی است که در قلب ایجاد می‌شود.

اتفاق بعدی فتنه است که یکی از آسیب‌هاست همین جا متوجه می‌شویم حوادثی که برای انسان بوجود می‌آید متفاوت است. سنخ فتنه از ظلمات است. در مقابله با این آسیب قدرت فوق ایمنی بخش توحید، بالاخص موضوع حی القیوم بودن خیلی مهم است، یعنی هر زنده‌ای به حیات بخشی و قوام او پابرجاست یعنی انسان از حی القیوم بودن خدا توحید را بشناسد.

صفحه دوم (آیه ۸) دعای کسانی است که از فتنه پناه می‌برند اگر به عنوان سوره فلق بخوانی انگار این دعا پناه بردن به رب فلق است. معلوم می‌شود که این شبهات ممکن است یک نفر را از حیض اعتقادات خارج کند.

از آیه ۱۰ تا ۱۴ خیلی جالب یک سری مواردی را مطرح می‌کند که این‌ها به طور جدی در زندگی آسیب می‌رساند.

از آیه ۱۴ معلوم می‌شود حب شهوات یکی از ناحیه‌هایی است که انسان دچار آسیب می‌شود و همچنین گرایش به متاع دنیا به وان آسیب دیگر بیان شده است. این‌ها از مهمترین آسیب‌هایی است که در این سوره منجر به ورود انسان به فضای متشابها و عدول از محکومات می‌شود در نتیجه زیغ در فرد ایجاد می‌کند و اگر زیغ ایجاد شد اگر چه فرد در مسیر ایمان باشد منحرف می‌شود

شیوه برخورد:

تقوا در برخورد با متاع دنیا که آیه بعدی این را می‌گوید

در رابطه با حب شهوات شما یک سری عوامل علی دارید که سبب و اقتضاء ایجاد می‌کند و یک سری عوامل نشانه‌ای دارید که در واقع مقصد ایجاد می‌کند.

زیغ یا انحراف نشانه‌ای است از این که انسان دچار حب شهوات شده است.

دلالت هر آیه به خودی خود تام و کامل است. و اتفاقی که افتاد سوره فلق برای من چهارچوبی تعریف کرد که من می‌توانم با رویکرد جدیدی سوره مبارکه آل عمران را بخوانم.

مابین دو سوره مفهوم‌گیری می‌کنیم یعنی مفاهیم کلی مد نظرمان است.

پیدا کردن فلق در سوره آل عمران: بستگی دارد واژه فلق را در سوره فلق با چه عمقی کار کرده باشید، اگر عمقتان در حد معنی باشد در این سوره هم در حد معنا جواب می‌دهد ولی اگر عمیق کار کرده باشید و برای فلق مؤلفه داشته باشید، می‌توانید در لایه‌های مختلف بررسی کنید. شما دو طرف دارید یکی معنا شناسی و دیگری مؤلفه داشتن. در معنا شناسی می‌گویید یک طرف این و یک طرف آن و تمایز بین این دو می‌شود فلق و با این دید سوره را می‌خوانی. در واقع در سوره فقط جاهایی را می‌گردی که دو طرف داری و در عربی قسمت اول می‌شود مقدمات و قسمت آخر می‌شود نتیجه و وسط آن حوادث و رخدادها می‌شود. در این جا وقتی بحث می‌کنید هم مثبت و هم منفی فلق را می‌بینید چون رخداد هم می‌تواند مثبت باشد هم منفی البته می‌تواند یک رخدادی منفی باشد ولی این طرفش هدایت باشد بنابراین فلق واقعی این است که در یک طرف مقدمات اتفاقی بیفتد و در طرف دیگر نتایج منجر به هدایت شود.

به هر حال هر تمایز دهنده‌ای به خودی خودش مثبت است. تمایز رکن رکن یا اصیل علم است و اگر تمایز را بردارید یعنی علم و معرفت را در ساحت انسان حذف کرده‌اید.

خصوصیت سوره آل عمران این است که تمنیات و آرزوهای یک انسان را اصلاح می‌کند اصلاح انسان از ناحیه آرزوها و رغایب است. سوره لیلۃ الرغایب انسان است. در واقع منای قرآن است و هر کس دوست داشت حج واقعی برود و قوفش می‌شود سوره آل عمران یا این گونه بگوییم که محکمت قرآن در سوره آل عمران است و سوره عجیب و غریبی است.

ادامه سوره آل عمران را خودتان با فلق کار کنید.

فلق :

فلق را از دو جنبه می‌توان در قرآن کار کرد یک جنبه کار واژه‌ای است و دیگری هم از طریق آیه و قرآن به قرآن، که ما تلفیقی از این دو بحث را مطرح می‌کنیم. تلفیق این دو با تحلیل عقلی انجام می‌شود، این روش پژوهشمان در حوزه فلق است و قبل از هر پژوهشی باید شیوه آن را انتخاب کرد.

در کار واژه‌ای ما دو راه داریم یک راه این است که به لغت نامه رجوع کنیم و دیگری این که با اتکا به آیات خودمان یک معنا استخراج کنیم و این دو روش کاملاً مجزا است.

سه دست لغت‌نامه وجود دارد: لغت‌نامه ترجمه‌ای، مصداقی، توصیفی. مرحوم مصطفوی لغت‌نامه‌اش بر اساس روح معنا است.

یک موقعی ما واژه را در آیات بررسی می‌کنیم و موارد استعمال آن را استخراج می‌نماییم که این موارد استعمال یک شبکه واژه‌ای برای من ایجاد می‌کند که با سوق، نوی/حب، رب، انفلاق، صبح مرتبط است. اینجا قدر مشترک می‌گیرم در واقع از موارد استعمال اشتراک گیری می‌کنم و تبدیل به مؤلفه می‌کنم و علت این که از روح معنا استفاده نمی‌کنیم زیرا وقتی خودمان معنا استخراج می‌کنیم تأکید واژه در قسمت‌های مختلف را می‌فهمیم.

باید اول به یک تعریفی برسیم و بعد بر اساس مؤلفه‌هایی که بدست آوردیم سراغ سوره‌ها و آیات برویم. یکی از شیوه‌هایی که در این کار واژه‌ای است این که ما یک مسیر را می‌رویم و یک مسیر دیگر را هم انتخاب می‌کنیم که اگر واژه‌ای مثل فلق در غرض سوره‌ای ظهور پیدا کرده واژه را در دل یک سوره به صورت توصیفی به معنایش می‌رسیم این با بالا فرق می‌کند یعنی به جای این که آن مسیر را برویم از این روش استفاده می‌کنیم مثلاً واژه فلق را انتخاب می‌کنیم و ویژگی‌های فلق را در دل سوره بدست می‌آوریم به این صورت که سوره را توصیف می‌کنیم و گزاره‌های عقلی از سوره در می‌آوریم و با این کار به یک مفهوم کامل و جامع باید دست پیدا کنیم، که این هم مؤلفه بندی دارد مثل سوره زمر در تدبیر واژه‌ای که در آخرش سوره با واژه عبد کار شده است. پس کار واژه‌ای

می تواند مسیرهای مختلفی را بیساید که در بالا آمده است. پژوهشی اتقان دارد که هر سه روش را برود و مطالبش در هیچ کدام از حالات تعارض پیدا نکند.

کلیاتی که مورد استناد به آیات است:

فلق :

۱. در عالم تکوین و عالم خلق اتفاق افتاده است. منظور از عالم خلق عالمی است که با اسباب و اقتضا سرو کار دارد. و مقابل عالم خلق عالم امر است. که نظام آن با کن و فیکون است. لذا برای فهم فلک یکی از واژه‌های مهمی که باید راجع به آن بحث شود واژه خلق است.
 ۲. قلمرو فلک را محدود می کنیم به عالم خلق. در عالم امر با موضوعی به نام فلک کار نمی کنیم. تمام بروزات را شما در عالم خلق می بینید در واقع رخدادها و پدیده‌ها در این عالم قرار دارد.
 ۳. مسئله حرکت (سیر) به عنوان مؤلفه اصلی است. چون سیر وجود دارد صیوریت هم وجود دارد.
 ۴. بحث انفعال و اثر پذیری؛ یعنی به واسطه این حرکت یک تغییراتی به وجود می آید. هم از یک طرف فعالیت است یعنی اثر گذاری و از طرفی دیگر اثر پذیری دارد. این جزء مؤلفه‌های بعدی آن است. اگر در باب انفعال باشد اثر پذیر می شود و در اسم فاعل اثر گذار می‌گردد.
 ۵. یک تمایز است از مرحله قبل نسبت به مرحله بعد.
 ۶. نشانه برای مرحله قبل نسبت به مرحله بعد یا بالعکس نشانه‌ای برای مرحله بعد نسبت به قبلش می باشد. در واقع امتداد یک چیز را می گوید. بنابراین اگر کسی نتواند وقتی یک شی را می بیند رابطه بین قبل و بعد آن را ببیند اصلا برایش فلکی مطرح نبوده است. فلک یک شی حالتی خاص از شی است که او را از حالت قبل و بعدش متمایز می کند.
- حالتی از شی است یعنی شی را کلا حالت می گیریم زیرا در مقام فلسفی اصلا شی ذات ندارد.

در واقع فلک همان خلق است به اعتبار تمایزش بین مرحله قبل و بعدش

بعضی واژه‌ها هستند که انسان به آن معنی می دهد و بعضی از واژه‌ها به خودی خود معنا دارد. فلک جزء واژه‌هایی است که می گوئیم فلک همان خلق است در ساحت معرفت انسان یا انسان جامع کامل

فلک بیان دیگری از مفهوم خلق است در ساحت معرفت انسان یعنی اگر انسان را برداریم دیگر قبل و بعد معنا ندارد.

اسماء الحسنی در ساحت معرفت انسان جامع کامل است.

فلک سبب افزایش یا ایجاد معرفت در انسان می شود یعنی در واقع نسبت قبل و بعد است که معرفت ایجاد می کند. هیچ معرفتی نیست مگر این که از مسیر فلک برای انسان به وجود بیاید.

کشف خطوط ممتد در هستی و زندگی انسان رمز فلق شناسی است. اتصال بین پدیده‌ها و رخدادها و عدم گسست-
شان

در فلق شناسی منشاء شناسی، مقصد شناسی و سیر شناسی/صبر شناسی در موضوعی واحد (شی و احد) اساس
معرفت به خلق است.

مسائل و مطالبی که انسان با آن روبروست جلوه‌های مختلفی دارد و به همین دلیل انسان نیاز به شناخت پیدا می‌کند
بنابراین دستگاه شناختی خاص می‌خواهد. تاریخ برای محل فلق شناسی خیلی خوب است.

هر شری در زمان‌های مختلف یک بروزاتی دارد و این همان من شراً ما خلق است. هر صفت شر و خیری در درون
خودش بروزاتش متفاوت است.

به نسبت تفاوتی که در خلق وجود دارد فلق نیز متمایز و متفاوت است.

فلق همان خلق است، منتها به اعتبار قبل و بعد فلق

کسی که می‌خواهد فلق شناسی کند اول باید خلق شناسی کند. از سوره اعلی مشخص می‌شود که یک خلق داریم
یک تسویه و یک هدایت و یک عجل.

تسویه یعنی تعادل ایجاد می‌شود.

خَلَقَ فَسَوَّى: ناظر به تکوینات است.

قَدَّرَ فَهَدَى: تقدیر و هدایت داده می‌شود و در تکوینات می‌آید به علاوه جهت و مسیر کمال، که این جهت و مسیر
خیلی برایش مهم می‌شود.

اجل هم می‌شود نقطه پایان خلق.

بنابر این در خلق یک سری فلق داریم و در قدر هم یک سری فلق داریم. یک شی داریم که اجل دارد.

فلق شناسی دو قلمرو پیدا می‌کند که در شی دیده می‌شود یکی از حیث خلق و تسویه می‌باشد که قسمت ما خلق
سوره فلق است (فلق؛ آن وضعیتی که است) و دیگری شی است از حیث امکانات، قدر و قدرتی که پیدا کرده و
هدایتی که برایش در انتظار است. (فلق؛ آن وضعیتی که به وجود می‌آورد) و این قسمت غاسق، نفاثات و حاسد
سوره است و این ترکیب سوره فلق و اعلی است.

انسان در هر حالتی به سمت خلق و تسویه می‌رود ولو اینکه در ضلالت باشد و به دلیل این که به سمت ضلالت می‌رود انواع انحرافات بوجود می‌آید. انسان به صورت ناخودآگاه در سیر تکوینی قرار می‌گیرد یعنی خلق و تسویه یک سیر تکوینی است.

انسان یک سیر حرکتی دارد که برایش فلق‌های مختلفی داریم در واقع چیزی نیست غیر از تمایز بین حالت‌های فرد. انسان در سیر خلق و تسویه هر چه از مسیر هدایت دور شود قسمت هدایتش خاموش می‌شود و بعد تکوین روی آن اثر می‌گذارد و نوع استفاده از اشتباه در آن بیشتر می‌شود. ما حرکت به سمت پایین نداریم همه حرکت‌ها به سمت بالا می‌رود در ضلالت هم انسان در ضلالت به سمت بالا می‌رود.

فلق در حالت کلی کاملاً مثبت است

انسان دارای دو مدل هدایت است یک مدل در تکوین و مدل دیگر در تشریح است. در تقدیر هدایت اعتباری می‌شود یعنی غاسق، نفاثات و حسد می‌شود اعتباری. و در خلقتش تکوینی است.

به نسبت تفاوتی که در خلق وجود دارد فلق نیز متمایز و متفاوت است.

اگر نگاه به نعمت در فرد اصلاح نشود محکوم به ضرر است (بر اساس قانون فلق). یعنی اینکه ضرر را نمی‌تواند به نفع تبدیل کند و محکوم به ضرر است به دلیل اصلاح نشدن دید اوست.

امام سجاد علیه‌السلام: خدایا هر موقع دیدی من مرتع شیطان شدم مرا قبض روح کن.

اگر تزکیه مقدم بر تعلیم نشود همه چیز خراب می‌شود.

تعجیل در فرج امام زمان (عج) صلوات